

عنوان مقاله:

جبر چند ساحتی و بازماندگی انتخابی؛ مطالعه کیفی فرآیند بازماندگی از تحصیل کودکان افغانستانی ساکن در شهر مشهد

محل انتشار:

دوفصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، دوره 9، شماره 20 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

نجمه بهنام - کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

فاطمه صدرنبوی - عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی

مجید فولادیان - عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی

خلاصه مقاله:

با توجه به جذب قانونی یا غیرقانونی کودکان مهاجر افغانستانی در سیستم آموزش کشور، همچنان بازماندگی از تحصیل در این کودکان مشاهده می شود. از این رو هدف تحقیق حاضر، شناسایی و تحلیل چالش های کودکان مهاجر افغانستانی بازمانده از تحصیل ساکن در شهر مشهد، در قالب پژوهش کیفی بود. روش روایت پژوهی برای دستیابی به روایت زندگی کودکان بازمانده از تحصیل به کار برده شد. جامعه آماری پژوهش، کودکان مهاجر افغانستانی بازمانده از تحصیل ساکن در مشهد بودند. نمونه آماری، مصاحبه با ۲۰ کودک بود که اشباع نظری داده ها برای محقق حاصل شد. سپس روایت هرکدام از کودکان استخراج شد و براساس پی رنگ های مشترک، روایت ها و فرایندهای آنان مشخص شد. در راستای شناسایی چالش های کودکان مهاجر افغانستانی بازمانده از تحصیل، یافته های پژوهش نشان داد که فرهنگ سنتی و مذهبی چه در پذیرش نقش مذهبی از سوی کودک و چه به صورت اجباری از سمت خانواده، سبب بازماندگی از تحصیل کودک می شود. اضطراب کودک ناشی از تجربه جنگ، عامل دومی است که بر فرایند بازماندگی وی از تحصیل تاثیرگذار است. زدن برچسب بزه کار به کودک از سوی مسوولان مدرسه باعث افتخار کودکی می شود که بزهداری را نشانه مردانگی می داند. این امر ناشی از خرده فرهنگی است که درون آن رشد یافته است و موجبات بازماندگی وی از تحصیل را فراهم کرده است. به دلیل خارج شدن پدر از چرخه سرپرستی خانوار به علت اعتیاد و ازکارافتادگی، فرزندان در حال تحصیل یا به خاطر اجبار یا فداکاری، تحصیل را رها می کنند و وارد بازار کار می شوند. در بین نزدیکان و اقوام کودک، وجود الگوهای ناموفق تحصیلی در ایران و الگو های موفق غیرتحصیلی مهاجرت کننده به کشورهای اروپایی سبب می شود تا خانواده کودک تحصیل کردن وی را بی فایده قلمداد کند، انگیزه تحصیلی کودک از بین برود، میل به مهاجرت در او تقویت شود و درنهایت کودک تحصیل را رها کند. کودکی که در افغانستان تحصیل کرده است و در نیمه های سال تحصیلی به سبب وجود ناامنی در افغانستان به ایران مهاجرت کرده است، به علت نبود تطابق تحصیلی بین ایران و افغانستان، در آزمون ورودی مدارس ایران پذیرفته نمی شود و به پایه های پایین تر تحصیلی تنزل پیدا می کند. به این ترتیب، انگیزه کودک برای تحصیل کردن از بین می رود و موجب توقف تحصیلی او می شود.

کلمات کلیدی:

کودکان مهاجر، بازمانده از تحصیل، افغانستانی، روایت پژوهی، مشهد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1635196>



